

ضدیت با صهیونیزم جهانی، لازمه‌ی ظهور

مقدمه:

بعد از اعتقاد به خدا، مفهوم ظهور، دومین وجه اشتراک تمام ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی است. البته وجوه اشتراک فراوان دیگری هم در میان ادیان ابراهیمی وجود دارد، مانند تأکید بر ازدیاد نسل حضرت ابراهیم و همچنین تأکید بر این موضوع که جمیع امت‌های جهان، توسط این ذریه هدایت خواهند شد. یکی دیگر از وجوه مشترکی که در این ادیان یافت می‌شود، این است که آن فرد هدایت‌کننده از نسل ذبیح خواهد بود. به عنوان مثال به این موارد در کتاب پیدایش اشاره شده است و می‌توان گفت که دعوا بر سر این مسئله که آن شخص ذبیح، اسماعیل است یا اسحاق از همین جا نشأت گرفته است. یهودیان، حضرت اسحاق را ذبیح می‌دانند؛ اما اثبات اینکه آن شخص، حضرت اسماعیل است به وسیله‌ی تورات امکان‌پذیر است. در بخشی از تورات آمده که خداوند در ماجرای قربانی فرزند به حضرت ابراهیم می‌گوید: «**اِخِيْدُكَ (أَحْدُك)**»؛ به معنای اینکه تک پسر خودت را به قربانگاه ببر و این بدین معناست که منظور خدا حضرت اسماعیل است چون ایشان فرزند اول است و حضرت اسحاق در آن زمان هنوز به دنیا نیامده است. (سفر پیدایش، باب ۲۲)

همچنین در کتاب پیدایش در رابطه با برکت یافتن نسل حضرت اسماعیل، اینگونه گفته شده است: «و اما در خصوص اسماعیل، تو را اجابت فرمودم. اینک او را برکت داده، بارور گردانم و او را بسیار بسیار کثیر گردانم و ۱۲ رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم.» (سفر پیدایش، باب ۱۷، آیه ۲۰)

در قرآن نیز به اعطای مُلک عظیم و حکمت به خاندان ابراهیم (بنی اسماعیل) اشاره شده است: «**أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا**»؛ «بلکه حسد می‌ورزند با مردم (یعنی پیامبر و مسلمین) چون آنها را خدا به فضل خود برخوردار نمود که البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنها مُلک و سلطنتی

دلیل دشمنی یهود با اهل بیت:

یکی از علت‌های اینکه مردم مدینه بدون دیدن پیامبر، حاضر به دعوت کردن ایشان شدند، شناخت نشانه‌های پیامبر آخرالزمان بود. نشانه‌هایی که آنها را به واسطه‌ی قبایل یهودی مدینه شنیده بودند. یهودیان مدینه با اطلاعاتی که از نشانه‌های آخرین پیامبر داشتند، از مدت‌ها قبل به مدینه آمده و منتظر ظهور او بودند. به عنوان مثال می‌توان به آیه‌ی سه از باب سوم کتاب حَقِيقُ نَبِيٍّ اشاره کرد که در آن گفته شده: «آن اتفاق از فاران خواهد افتاد» امام رضا نیز در مناظره‌ی خود با رأس‌الجالوت (بزرگترین مقام علمی یهودیان) به این مسئله اشاره فرمودند. بعد از آنکه یهودیان مدینه متوجه شدند که پیامبر از نسل خودشان نیست، زمینه‌ی دشمنی با او و فرزندانش را فراهم کردند. یهودیان در ابتدا، پیامبر را به دلیل نداشتن نسلی بعد از خود مورد شماتت قرار می‌دادند؛ اما بعد از نزول سوره‌ی کوثر که در آن به کثرت خاندان پیامبر اشاره می‌شود در صدد از میان برداشتن اهل بیت پیامبر برآمدند. به عنوان مثال می‌توان به ماجرای شهادت حضرت علی اشاره کرد که حضرت علی، بعد از ضربت خوردن و ایراد جمله‌ی معروف «**فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ**» در ادامه می‌فرمایند: «پسر زن یهودی را بگیرید.» (منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۱۷۴)

همچنین در بخشی از کتابی به نام نبوئت هیلد (نبوت ولد) که ۷۰ سال، قبل از به دنیا آمدن پیامبر نوشته شده است، توضیحاتی در رابطه با واقعه‌ی کربلا آمده است: «سَرَّ از قفا با خنجر بریده شود؛ دو دست قطع گردد در کنار شطّ فرات واقع شود؛ تغییراتی در زمین و آسمان پدید آید.» (نبوئت هیلد، آیه ۱۸ (حرف القاف))

یهودیان بر اساس اشارات فراوان کتب خود، وعده‌ی برکت در نسل رسول‌الله و اهل بیت ایشان را تشخیص داده بودند؛ اما به دلیل منافع و لجاجت خود از پذیرش حق سرباز زدند. در کتاب پیدایش، چنین آمده است: «من در مورد اسماعیل تو را شنیدم و به ۱۲ امام، تو را اجابت می‌نمایم.» (سفر پیدایش، باب ۱۷، آیات ۱۸ و ۲۰)

برتری مقام امامت از مقام نبوت:

مقام نبوت، مقامی است که همه‌ی پیامبران الهی به آن نائل آمدند اما تمام انبیاء از مقام امامت برخوردار نبودند. در دین یهود از این مقام با لفظ ناشی (ناسی) یاد می‌شود؛ یعنی کسی که حاکم

بر کل انسان‌هاست در حالی که پیامبران صرفاً حاکم بر قوم خود هستند؛ مگر اینکه به مقام امامت نیز رسیده باشند. حضرت ابراهیم پیامبری بود که علاوه بر نبوت به مقام امامت نیز رسید و پس از ایشان پیامبر اسلام نیز مقام امامت داشتند که متأسفانه برخی از مردم آن زمان این موضوع را درک نکردند. در تفکر یهود، پیامبران صرفاً در رساندن پیام الهی به مردم عصمت دارند؛ متأسفانه این تفکر توسط یهودیان شمال مدینه به برخی از مسلمین نیز انتقال یافته بود به همین دلیل در موارد بسیاری، زمانی که پیامبر نکته‌ای می‌فرمودند، برخی از اصحاب در پاسخ می‌گفتند: «آیا این سخن، کلام الهی است و یا کلام خود تو ای محمد؟!» همچنین در مواردی نظرات خود را بر سخنان پیامبر ارجح می‌دانستند. افراد بسیاری نسبت به پیامبر و خاندان ایشان حسادت می‌ورزیدند و بعد از پیامبر، بارها اهل بیت ایشان را مورد اذیت و آزار قرار دادند.

قدرت شیعه، لازمه‌ی ظهور:

اساساً در طول تاریخ، بیشترین زمانی که این خاندان، مورد حملات دشمن قرار گرفتند، زمانی است که شیعیان و افراد کمتری گرداگرد ایشان حضور داشتند. در شرایط فعلی نیز ابر اساس روایت امام صادق [یکی از اصلی‌ترین دلایل غیبت امام زمان، ترس از کشته شدن امام است. (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۳)

پس تا زمانی که به قدرت نرسیم و نتوانیم از جان ایشان مراقبت کنیم به ظهور نخواهیم رسید. ما باید به حدی قدرت پیدا کنیم که بتوانیم از جان آخرین امام دفاع کنیم. البته باید به این موضوع نیز واقف بود که قرار نیست این اتفاق با معجزه رخ بدهد؛ چراکه اگر قرار بر معجزه بود، این اتفاق برای پیامبر و دیگر اهل بیت رقم می‌خورد. به عبارت دیگر ما باید به قدری قدرتمند شویم، که هزینه‌ی حمله به امام زمان را برای دشمن افزایش دهیم. در شرایط فعلی که احتمال می‌رود، بعد از ظهور امام زمان، دشمن با هرگونه سلاحی جان امام را به خطر بیاندازد؛ ما نیز باید توان دفاع در همان سطح را داشته باشیم و این توانمند شدن می‌تواند به این موضوع ختم شود که ما حُسن نیت خودمان را برای دفاع از آخرین ذخیره‌ی الهی به خداوند نشان دهیم. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید.» (انفال / ۶۰)

در این شرایط، بهترین کسانی که می‌توانند به عنوان سردمدار، جامعه را به سمت فهم رسیدن به امام زمان سوق دهند، جوانان هستند. این موضوع، در جریان حوادث مختلف در طول انقلاب اسلامی به اثبات رسیده است.

سخن پایانی:

برای رسیدن به ظهور، علاوه بر اراده‌ی ظهور، باید ضدیت با صهیونیسم جهانی نیز در میان منتظران وجود داشته باشد. اگر اراده‌ی ظهور داشته باشیم؛ اما این ضدیت وجود نداشته باشد؛ نمی‌توانیم به ظهور برسیم. در این صورت، دشمن، دیگر با اراده‌ی ظهور ما مشکلی نخواهد داشت؛ چراکه مهدویت بدون ضدیت با صهیونیسم، معنایی ندارد. به عبارت دیگر اگر ما فهم صحیحی از مهدویت داشته باشیم، ناگزیر به ضدیت با صهیونیسم می‌رسیم. این موضوع را می‌توان حتی از واقعه‌ی کربلا متوجه شد؛ زیرا امام حسین فرمودند: «**مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ**»؛ «یک نفر مثل حسین با یک نفر مثل یزید هیچ‌گاه بیعت نمی‌کند.» (لهورف، سید بن طاووس، ص ۲۱)

این سخن، این موضوع را به ما می‌فهماند که این مسئله همیشگی بوده و مخصوص زمان خاصی از تاریخ نیست؛ پس باید در طول تاریخ، افراد شبیه به یزید را بشناسیم و در مقابل آنها بایستیم تا مانند حسین شویم.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: ضدیت با صهیونیسم جهانی، لازمه‌ی ظهور

خلاصه و چکیده سخنرانی مهدویت و جوانان، فروردین ۹۷، دماوند

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)